

از مهمترین مباحث مطرح شده در متون توسعه، مسأله فقر است. از آنجا که فقر یا در اثر کمبود درآمد یا نابرابری توزیع آن موجود می‌آید، بنابراین شناخت وضعیت توزیع درآمد برای شناخت وضعیت فقر در هر جامعه‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر تادهه ۱۹۷۰ توسعه را معادل رشد اقتصادی می‌دانستند و توسعه یافتگی را بار شد بالا تر اقتصادی می‌سنجیدند و حتی نابرابری را شرط لازم برای رشد اقتصادی می‌شمرند. اما آیا شکاف عمده بین افراد کم درآمد و افراد پر درآمد در جامعه دستکم در کوتاه مدت مطلوب است؟

پاسخ این پرسش در نظریه‌های اقتصادی اغلب مثبت بوده است. استدلال این است که میل به پس انداز در اقشار پر درآمد نسبت به افراد کم درآمد بیشتر است لذا با توزیع متعادلتر درآمد مقدار پس انداز کاهش می‌یابد و بر میزان مصرف در جامعه افزوده می‌شود. لذا توزیع متعادلتر درآمد مترادف با کاهش مقدار سرمایه گذاری و کاهش نرخ رشد اقتصادی در بلندمدت انگاشته می‌شود. از سوی دیگر، با توزیع متعادلتر درآمد شد جمعیت هم بالاتر می‌رود و این خود سبب افت سطح زندگی در جامعه می‌شود. ولی با توزیع نامتعادل درآمد، مقدار سرمایه گذاری و نرخ رشد اقتصادی بالاتر می‌رود و در بلندمدت موجب رفاه جامعه می‌شود.

در عمل این امر برای کشورهای توسعه یافته تحقق یافته و دلیل آن نیز این بوده است که در گذشته به علت تنوع کم کالاها و خدمات، محدود بودن وسایل ارتباط جمعی و عدم آگاهی از بسیاری از محصولات غیر محلی و نوع تفکر خاص حاکم بر جامعه (صرفه جویی) میزان مصرف اقشار پر درآمد جامعه پایین و مقدار سرمایه گذاری آنها بالا بوده است. در حالی که این امر در شرایط فعلی کشورهای در حال توسعه بعید به نظر می‌رسد. چرا که افراد پر درآمد کشورهای در حال توسعه الگوی گسترش مصرف را دنبال می‌کنند و میزان سرمایه گذاری آنها ناچیز است و اغلب کالاهای مورد تقاضای آنها نیز کالاهای وارداتی تولید کشورهای پیشرفته است، لذا محرک برای تولیدات داخلی و افزایش آن نیستند.

بر خلاف نظریه پردازان اقتصادی، علمای توسعه به پرسش مطرح شده جواب منفی داده‌اند و توزیع

نابرابر در آمد را مانعی بر سر راه رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند و بر نقش مثبت طبقه متوسط تأکید دارند. چرا که در این شرایط جامعه از حالت طبقاتی و بسته متشکل از یک طبقه فقیر و یک طبقه غنی خارج می‌شود و روزنه‌امیدی برای طبقه فقیر ایجاد می‌شود که با امید به بالا نگاه خواهند کرد. دیگر این که طبقه متوسط نقش رهبری فرایند توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه را بر عهده خواهند داشت و جلوی بلندپروازهای طبقه کوچک ثروتمند را خواهند گرفت (روزبهان، ۱۳۷۴، صص ۱۹۰-۱۸۶).

معیارهای سنجش توزیع درآمد

مهمترین شاخصهای سنجش وضعیت توزیع درآمد در یک زمان معین عبارت است از انحراف معیار، انحراف معیار لگاریتمی، ضریب تغییرات، ضریب چولگی، ضریب کشیدگی، انحراف از میانگین نسبی، قانون توزیع درآمد پار تو، منحنی لورنز، ضریب تراکم جینی، شاخص نابرابری تیل، نسبت سهم گروه‌های پر درآمد به گروه‌های کم درآمد، و شاخص نابرابری اتکینسن (طاهری، ۱۳۶۶).

در این مطالعه ما تنها به بررسی منحنی لورنز، ضریب تراکم جینی، نسبت سهم گروه‌های پر درآمد به گروه‌های کم درآمد برای ایران اشاره خواهیم کرد و از بقیه شاخصها صرف نظر می‌کنیم.

منحنی لورنز

اگر روی محور طولها مقدار جمعیت را به صورت تجمعی و روی محور عرضها مقدار درآمد را به صورت تجمعی مشخص نماییم، به طوری که محور طولها از ۰ تا ۱۰۰ و محور عرضها نیز از ۰ تا ۱۰۰ تقسیم شود و سپس محل تقاطع هر یک از جمعیتها با درآمدشان را با خطی به هم دیگر متصل سازیم منحنی حاصل منحنی لورنز (Lorenz curve) نامیده می‌شود. به دیگر سخن، منحنی لورنز مکان هندسی تقاطعی است که مختصات آنها در صدای جمعی جمعیت و درآمد باشد.

جدول و نمودار ۱ مثالی فرضی را برای منحنی لورنز نشان می‌دهد.

از نمودار ۱ مشخص می‌شود که ۱۰ درصد جمعیت با کمترین میزان درآمد چند درصد درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهند (در این جا ۲ درصد) یا مثلاً ۲۰ درصد جمعیت با کمترین میزان درآمد

بین منحنی لورنز و قطر مربع (ناحیه A در نمودار ۱) را به نصف مساحت مربع (ناحیه A+B) به دست می آورند. یعنی

$$J = \frac{\text{مساحت ناحیه A}}{\text{مساحت ناحیه (A+B)}}$$

بنابراین مقدار ضریب جینی بین عدد ۰ و عدد ۱ است که هر چه از ۰ به سمت ۱ برویم پرمیزان نابرابری افزوده خواهد شد. در حالتی که منحنی لورنز بر خط برابری کامل منطبق شود، یعنی مساحت ناحیه A و مقدار ضریب جینی برابر ۰ شود، توزیع درآمد کاملاً برابر می باشد و در حالتی که مساحت ناحیه B برابر ۰ و مقدار ضریب جینی برابر ۱ شود، توزیع درآمد کاملاً نابرابر است. البته در عمل، هیچ کدام از این دو حالت وجود ندارند. برای طبقه بندی کشورها بر حسب ضریب جینی، کشورهای با ضریب جینی بالاتر از ۰/۵ را کشورهای با توزیع درآمد بسیار نابرابر، کشورهای با ضریب جینی بین ۰/۴ و ۰/۵ را کشورهای با توزیع کمتر نابرابر، و کشورهای با ضریب جینی کمتر از

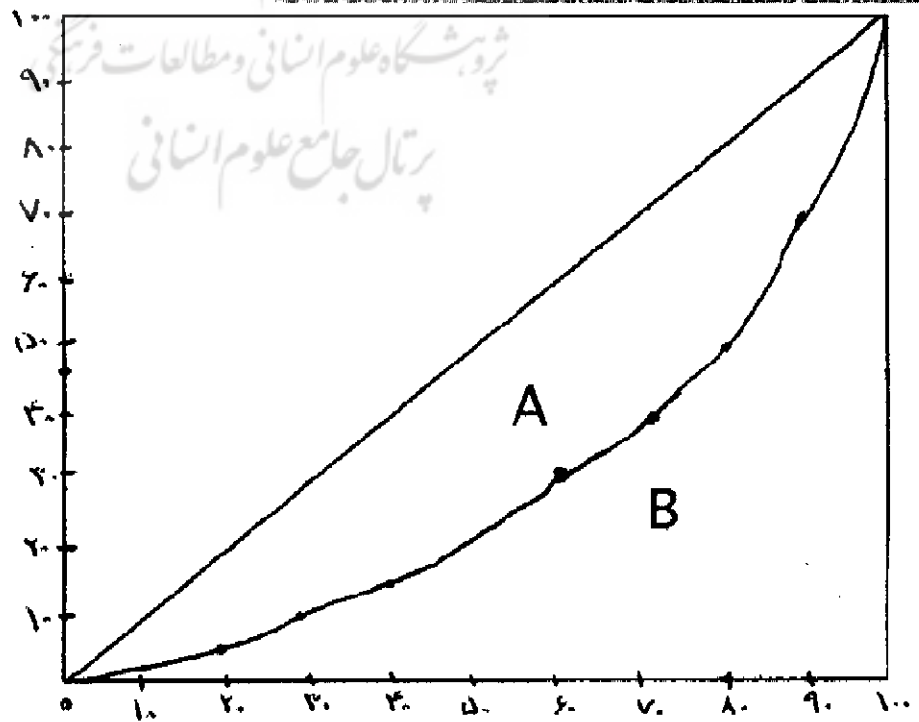
(شامل ۱۰ درصد اول و ۱۰ درصد دوم) چند درصد درآمد ملی را به خود اختصاص می دهند (در این جا ۵ درصد یعنی ۲٪+۳٪) والی آخر که تا ۱۰ درصد یعنی کل افراد جامعه می رسد (با ۱۰۰ درصد درآمد). قطر مربع نمودار خط برابری کامل است و هر گاه منحنی لورنز بر این خط منطبق شود نشان دهنده توزیع کاملاً برابر درآمد است. یعنی ۱۰ درصد افراد جامعه ۱۰ درصد درآمد ملی را کسب می کنند و ۲۰ درصد افراد جامعه ۲۰ درصد درآمد ملی را و همین طور تا آخر. البته این حالت در هیچ جامعه ای رخ نمی دهد. هر چه فاصله منحنی لورنز از خط برابری کامل بیشتر باشد، نابرابری بیشتر خواهد بود (روزبهان، ۱۳۷۴، صص ۱۹۲-۱۹۰).

ضریب جینی

این روش توسط جینی (Gini) آماردان ایتالیایی ابداع شده است. در این روش نسبت مساحت سطح

جدول ۱: وضعیت توزیع درآمد در یک جامعه فرضی

۱۰٪ اول	۱۰٪ دوم	۱۰٪ سوم	۱۰٪ چهارم	۱۰٪ پنجم	۱۰٪ ششم	۱۰٪ هفتم	۱۰٪ هشتم	۱۰٪ نهم	۱۰٪ دهم
۲٪ درآمد	۳٪ درآمد	۴٪ درآمد	۵٪ درآمد	۶٪ درآمد	۷٪ درآمد	۹٪ درآمد	۱۳٪ درآمد	۲۲٪ درآمد	۲۹٪ درآمد



۰/۴ را کشورهای با توزیع نسبتاً برابر می‌نامند (روزبهان، ۱۳۷۴، صص ۱۹۳-۱۹۲).

در صدها یاد دهکها

در این روش نسبت در آمد ۲۰ درصد جمعیت با بالاترین در آمد را به در آمد ۴۰ درصد جمعیت با پایتترین در آمد به دست می‌آورند یا نسبت در آمد ۱۰ درصد جمعیت با بالاترین در آمد را به در آمد ۱۰ درصد جمعیت با پایتترین در آمد محاسبه می‌کنند. البته می‌توان از سایر نسبتهای در آمدی جمعیت با بالاترین در آمد به در آمد جمعیت با پایتترین در آمد نیز استفاده نمود (روزبهان، ۱۳۷۴، صص ۱۹۵-۱۹۶). هر اندازه مقدار این نسبتها بالاتر باشد، نابرابری بیشتر است.

بررسی وضعیت توزیع در آمد در ایران

برای بررسی وضعیت توزیع در آمد کشور از اطلاعات حاصل از هزینه‌های خانوار که توسط اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران جمع آوری گردیده است استفاده می‌کنیم؛ هر چند از سال ۱۳۵۸ این کار تنها بر عهده مرکز آمار ایران گذاشته شده است، تا از دوباره کارها جلو گیری شود. بنابراین از سال ۱۳۵۸ به بعد اطلاعات مورد نیاز تنها از طریق مرکز آمار ایران قابل دسترسی است.

در جمع آوری اطلاعات از سوی مرکز آمار ایران معمولاً اطلاعات صحیحی از میزان در آمد خانوارها به دست نمی‌آید. زیرا بسیاری از پاسخ دهندگان از دادن پاسخهای درست به دلایل مختلف امتناع می‌کنند. بنابراین در بررسی وضعیت توزیع در آمد کشور با این اطلاعات، باید احتیاط کرد.

برای بررسی وضعیت توزیع در آمد کشور می‌توان نحوه توزیع در آمد کشور در پنج دوره زمانی زیر بررسی نمود:

۱. دوران پیش از اصلاحات ارضی؛

۲. دوران پس از اصلاحات ارضی تا انقلاب؛

۳. دوران انقلاب (۱۳۵۵-۱۳۵۸)؛

۴. دوران جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹)؛

۵. دوران بازسازی و سیاستهای تعدیل ساختاری (۱۳۶۸-۱۳۶۷).

حال تك تك این دوره‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیش از اصلاحات ارضی

پیش از انجام اصلاحات ارضی کشور مایک کشور روستایی بود، چنانچه طبق آمار نامه سال ۱۳۳۵ حدود ۷۰ درصد مردم کشور در آن سال ساکن روستاها بودند. از سوی دیگر در آن زمان تقریباً تمام مردم روستاهای کشور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیتهای کشاورزی امرار معاش می‌کردند، (مانند کشاورزان و کارگران کشاورزی که در آمد خود را مستقیماً از محصولات کشاورزی به دست می‌آوردند یا کسانی که در روستاها کارهای خدماتی انجام می‌دادند، مانند حمامی، آسیابان، سلمانی، دشتیان و امثال آنها که هر ساله در صدی از محصولات کشاورزی را در قبال خدمتی که می‌کردند، می‌گرفتند). می‌توان گفت که جامعه ایرانی جامعه‌ای کشاورزی بود. حتی خود دولت هم از بزرگترین مالکان کشور بود که اداره خالصه‌جات را بر عهده داشت و چون قیمت نفت در آن زمان چندان بالا نبود، بیشتر در آمد دولت نیز از اراضی دولتی یا از مالیاتهایی که از بزرگ مالکان اخذ می‌شد، به دست می‌آمد. با این اوصاف می‌توان نحوه توزیع در آمد کشور را در سالهای پیش از اصلاحات ارضی با توجه به وضعیت کشاورزی کشور سنجید. می‌دانیم که پیش از اصلاحات ارضی اغلب زمینهای زراعی کشور در دست تعداد معدودی از بزرگ مالکان قرار داشت که تعداد آنها شاید کمتر از يك درصد کل جمعیت کشور بود. تعداد خرده مالکان در این دوره اندك بود و وسعت زمینهای آنها هم به قدری ناچیز بود که کفاف زندگی آنها را نمی‌داد. از سوی دیگر، این بزرگ مالکان در خوشبینانه‌ترین حالت دستکم پیش از نیمی از محصولات کشاورزی را به خود اختصاص می‌دادند. حال تصور کنید که وقتی این عده معدود پیش از نیمی از محصولات کشاورزی را می‌گرفتند، قشر عظیم کشاورزان و روستاییان با کمتر از نیمی از محصولات کشاورزی چقدر در آمد داشتند.

در شهرها هم اوضاع بهتر از روستاها نبود، چرا که بخش عمده‌ای از شهر نشینان یا خرده تاجر بودند که زیر استعمار تجار بزرگ قرار داشتند یا صنعتگران و خدمات دهندگانی بودند که به علت ناچیز بودن در آمد مشتریانشان در آمد ناآلی داشتند. به طور کلی با توجه به در آمد پایین کشور همین در آمد هم در دست تعداد

دیگر کشاورزی حرف اصلی را در ایجاد درآمد نمی‌زد. درآمدهای شهری هم که بسیار نابرابر توزیع شده بود، نقش مهمی در ایجاد نابرابری داشت. در چنین وضعیتی اغلب مهاجران وضعیت درآمدی و معیشتی بسیار نامطلوبی داشتند. به طور کلی مقدار نابرابری در خلال این سالها بسیار بالا بود در سال ۱۳۵۴ (سالی که قیمت نفت در آن بسیار بالا بود) به ۰/۵۲ رسید. البته متوسط ضریب جینی روستاها در این دوره به علت انجام اصلاحات ارضی ۰/۴۱ بود که پایینترین مقدار در تمام دوره‌هاست.

دوران انقلاب (۱۳۵۸-۱۳۵۵)

طی این دوره سیاست اقتصادی خاصی از سوی دولت اعمال نمی‌شد. دولت سابق بیشتر به فکر حفظ حاکمیت و موقعیت خود بود بر اقتصاد کشور کنتسرسی نداشت. از سوی دیگر، موج عظیم اعتصابات (بویژه در صنعت نفت) مملکت را فلج کرده و سبب کاهش درآمدهای کشور شده بود.

با پیروزی انقلاب هم دولت جدید بیشتر در جهت تحکیم موقعیت خود و مقابله با دشمنان کار می‌کرد و مسائل اقتصادی در حاشیه قرار گرفته بود. پیامدهای ناشی از اعتصابات، فرار متخصصان خارجی و سرمایه‌داران داخلی و عوامل دیگر دست به دست هم داد و سبب کاهش درآمد کشور شده بود. از سوی دیگر، به علت تورم بالا و افزایش قیمت‌ها صاحبان صنایع سود سرشاری به دست آوردند، که این خود سبب ایجاد بالاترین میزان نابرابری در طول دوره مورد مطالعه شد. به نحوی که ضریب جینی در سال ۱۳۵۶ به ۰/۵۲ و در سال ۱۳۵۸ به ۰/۵۱ رسید و نسبت درآمد ۲۰ درصد جمعیت با بالاترین درآمد به درآمد ۴۰ درصد جمعیت با پایینترین درآمد بین ۴/۸ و ۴/۹ بود و این رقم برای شهرها به ۵ می‌رسید.

دوران جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹)

در سال ۱۳۵۹ جنگ تحمیلی آغاز شد. هنوز مشکلات گذشته حل نشده بود که مشکلات جنگ نیز بر آنها افزوده شد. هزینه‌های جنگ بسیار بالا بود. نیروی کار عظیمی به جای تولید، مشغول جنگ بودند. کشور با تحریم‌های دول غربی و اقدامات گروه‌های مخالف نظام روبرو بود. بمباران مراکز مسکونی، کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها و جاهای نفت

محدودی متمرکز بود. بنابراین وضعیت توزیع درآمد کشور را می‌توان بسیار وخیم توصیف کرد. هر چند آمار و ارقام دقیقی در دست نداریم که مقدار این نابرابری را دقیقاً بازگو کنیم اما با توجه به قرائن و شواهد اشاره شده می‌توان عمق نابرابری را تصور کرد.

پس از اصلاحات ارضی تا انقلاب

اصلاحات ارضی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ طی سه مرحله انجام پذیرفت. با انجام اصلاحات ارضی امید می‌رفت که از میزان نابرابریها کاسته شود، اما با توجه به آمار موجود (اولین آمار مربوط به سال ۱۳۴۷ می‌باشد) می‌بینیم که مقدار ضریب جینی کشور بیش از ۰/۴ و حتی در سال ۱۳۵۲ از ۰/۵ هم فراتر می‌رود و نسبت درآمد ۲۰ درصد جمعیت با بالاترین درآمد به درآمد ۴۰ درصد جمعیت با پایینترین درآمد از ۳/۵ هم فراتر می‌رود و به نزدیک ۵ می‌رسد. اما علت این نابرابری بالا چیست؟ برای آن دو علت می‌توان بازگو کرد. نخست، در اصلاحات ارضی تنها نسق‌داران صاحب زمین شدند، در حالی که کارگران کشاورزی، خوش‌نشینان و خدمات‌دهندگان روستا زمین‌نگر شدند. بنابراین اختلاف درآمد آنها با کشاورزان بسیار زیاد شد و توزیع درآمد همچنان نابرابر باقی ماند. با وجود این، شاهد نابرابری کمتری در روستاها نسبت به شهرها بودیم که علت آن را شاید تا حدی بتوان به انجام اصلاحات ارضی نسبت داد. با این حال، مقدار نابرابری بالا بود و اصلاحات ارضی به اهداف خود در کاهش نابرابریها نرسید. علت دیگر نابرابری بالا در این دوره، افزایش قیمت نفت در خلال سالهای اولیه دهه ۱۳۵۰ بود که سبب افزایش نرخ رشد اقتصادی و میزان سرمایه‌گذاری در بخشهای صنعت و خدمات شد. اما بر میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی افزوده نشد. از سوی دیگر، بر میزان واردات محصولات کشاورزی به شکل بی‌سابقه‌ای افزوده شد. به همین دلیل، بخش کشاورزی نتوانست همپای بخشهای صنعت و خدمات رشد کند و این بخش در تولید ناخالص ملی سهم ناچیزی داشت. به همین دلیل در آندروستان‌نشینان کمتر از میزان درآمد شهرنشینان افزایش پیدا کرد. این امر سبب مهاجرت تعداد زیادی از روستاییان به شهرها شد. بنابراین کشور از حالت روستایی بودن خارج شد و

سبب کاهش تولیدات کشور بویژه نفت یعنی بزرگترین منبع درآمد کشور شده بود. کمبود مواد مصرفی، احتکار و بازار سیاه هم بر مشکلات جنگ افزوده شده و به طور کلی میزان درآمد کشور کم شده بود.

اما وضعیت توزیع درآمد کشور با وجود نابرابری بالا، نسبت به سالهای قبل بهبود یافته بود. به طوری که مقدار ضریب جینی از بالا تر از ۰/۵ در سال ۱۳۵۸ به کمتر از ۰/۵ رسید که علت آن رami توان موارد ذیل دانست:

۱- تولیدات کشاورزی در این دوره رشد و افزایش یافت چه این بخش کمتر از سایر بخشها به خارج از کشور متکی بود و توجهات به این بخش بیشتر شده بود. لذا وضعیت درآمدی کشاورزان بهبود یافته بود. در حالی که بخشهای صنعت و خدمات به علت آتکای زیاد به خارج فلج شده بودند.

۲- با تقسیم اراضی بین روستاییان بی زمین و کم زمین توسط هیأت هفت نفره از میزان نابرابریها در سطح روستاها کاسته شد.

۳- پرداخت یارانه از سوی دولت، برای محصولات مهمی که قیمت آنها در بازار بالا بود، نقش مهمی در کاهش نابرابریها داشت.

۴- فرار بسیاری از ثروتمندان سابق از کشور و خلافتی از نبود گروه پر درآمد در کشور.

در طول این دوره نسبت درآمد ۲۰ درصد جمعیت با بالاترین درآمد به درآمد ۴۰ درصد جمعیت با پایینترین درآمد از ۴ تجاوز نمی کند. چون بطور کلی میزان بهره مندی شهر نشینان از یارانه های دولتی نسبت به ساکنان روستاها بیشتر است، مقدار ضریب جینی طی این دوره غالباً برای شهرها کمتر از روستاهای کشور بود.

دوران بازسازی و سیاستهای تعدیل ساختاری (۱۳۶۸-۱۳۷۸).

از سال ۱۳۶۸ دوران بازسازی آغاز شد. هزینه های جنگ بسیار بالا بود و یا توجه به اثرات جنگ، نبود تولید، از بین رفتن و مستهلک شدن بسیاری از کارخانه ها، رشد بالای جمعیت در سالهای گذشته که سبب عرضه زیاد نیروی کار و افزایش بیکاری (نبود هیچ نوع درآمدی) در این دوره شده بود و به دلیل عوامل بسیار دیگر در آمد کشور کاهش یافته

بود. از سوی دیگر، قیمت نفت نیز دچار نوسانات شدیدی بود و در برخی از زمانها به سطح بسیار نازکی می رسید.

در سال ۱۳۶۸ دولت سیاستهای تعدیل ساختاری را در برنامه های خود گنجانده. سیاستهای تعدیل ساختاری (structural adjustment) مجموعه اقداماتی در جهت دستیابی به هدفهای عمده مانند رفع عدم تعادلهای داخلی، ایجاد تعادل در تراز پرداختهای خارجی و عدم تعادلهای داخلی، کاهش کسری بودجه، افزایش کارایی در اقتصاد و کاهش مخارج دولت را در بر می گیرد. برخی از این سیاستها و اقدامات، عبارتند از:

۱- کاهش ارزش پول کشور در برابر پولهای خارجی. این سیاست که هدف از آن، حاکمیت ارزش واقعی پول کشور در کلیه مبادلات اقتصادی و در نتیجه تحقق هدف تخصیص منابع بر اساس معیار کمیابی واقعی آنها، این بخشهای مختلف کشور است، گرانتر شدن محصولات وارداتی و در مقابل، سودآورتر شدن تولید محصولات صادراتی را در پی خواهد داشت. به این ترتیب، بر اثر اجرای این سیاست، حجم واردات کاهش، و حجم صادرات افزایش پیدا می کند و تولید کنندگان به کار برد و شهای تولید ارزان و استفاده از نهاده های داخلی، تشویق می شوند.

۲- کاهش مخارج دولت.

۳- فروش شرکتها و زیان ده و ناکارای دولتی به بخش خصوصی.

۴- افزایش قیمت محصولات کشاورزی به منظور تزدیك ساختن تدریجی آن به قیمت های جهانی. با اجرای این سیاست، تولید محصولات کشاورزی معمولاً افزایش خواهد یافت.

۵- کاهش یا حذف پرداخت یارانه های اقلام مصرفی مانند مواد غذایی.

اجرای مؤثر این سیاستها، گذشته از رفع عدم تعادلهای کلان اقتصادی، دستیابی به ترخهای رشد بالا را امکان پذیر می سازد. (پژویان، ۱۳۷۳، صص ۱۰۱-۱۰۲)

چنان که از تجریبات سایر کشورهایی که این سیاست را اجرا کرده اند، پیداست این سیاست وضعیت توزیع درآمد کشور را نابرابر می کند. و هر يك از اجزای آن اثر سویی بر وضعیت توزیع درآمد جامعه خواهد گذاشت. برای نمونه در جایی که

ادامه دهند. بنابراین به جای کاهش یا حذف یارانه‌ها باید در نحوهٔ پرداخت آنها تجدید نظر شود، تا بیشتر شامل حال اقشار کم‌درآمد جامعه شود. البته انجام این کار هر چند ضروری است اما بسیار دشوار است.

البته اثرات این طرح در بلندمدت مشخص خواهد شد و در این مدت ده‌ساله که از اجرای آن می‌گذرد، نمی‌توان به درستی اثرات آن را ارزیابی کرد. از سوی دیگر، اجرای این سیاست نیز به‌طور کامل انجام نپذیرفته و با تعدیلاتی همراه بوده است. هر چند مطابق آمار مقدار ضریب جینی آن اندازه تغییر نکرده است که اثرات این سیاست را نشان دهد (در سال ۱۳۷۰ مقدار آن به ۰/۴۶ رسیده است). از سوی دیگر، نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد کاهش یافته و به ۲/۹ در سال ۱۳۷۶ رسیده است، اما موضوع تجربه‌ی کشور حکایت از نابرابری شدید و رو به تزاید دارد و اگر آمار مربوط به وضعیت توزیع درآمد کشور در سالهای اخیر منتشر شود، احتمالاً میزان نابرابری را بالا نشان خواهد داد.

بررسی وضعیت توزیع درآمد با کمک جداول و نمودارها

طبق جداول ۲، ۳ و ۴ مشاهده می‌شود که میزان نابرابریها تا سال ۱۳۵۴ در حال افزایش بوده است به طوری که مقدار ضریب جینی برای کل کشور در سال ۱۳۵۴ (دوران بعد از اصلاحات ارضی) به ۰/۵۲ رسیده و برای سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ (دوران انقلاب) نیز بالاتر از ۰/۵ بود و بعد از آن (دوران جنگ) کاهش یافت و هنوز اثرات سیاستهای تعدیل ساختاری روشن نشده است.

نمودار ۲ نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد را برای کل کشور در طی سالهای ۱۳۷۶، ۱۳۴۷ و ۱۳۵۰ می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود مقدار این نسبت برای کلیهٔ سالها بالاست و حداقل آن در سال ۱۳۵۰ برابر ۳/۳۱ و حداکثر آن برابر ۴/۹۶ در سال ۱۳۵۴ می‌باشد (در سال ۱۳۵۰ شاهد پایان اصلاحات ارضی بودیم و در سال ۱۳۵۴ قیمت نفت بسیار ترقی نمود و دلارهای نفتی در مشاغل شهری خرج شد).

ظرفیت تولیدی کشور ناچیز باشد، کاهش ارزش پول کشور نمی‌تواند بر افزایش تولید اثر زیادی گذارد و از سوی دیگر، چون برخی از محصولات مورد نیاز کشور است یا مورد مصرف اقشار مرفه جامعه می‌باشد و ظرفیت تولیدی کشور برای تولید این محصولات کافی نیست، واردات آن با خروج مقدار زیادی ارز (گران قیمت) حاصل می‌شود. از سوی دیگر، چون ظرفیت تولیدی کشور برای تولید بسیاری از محصولات ناچیز است، محصول زیادی تولید نخواهد شد تا توان صادراتی کشور افزایش یابد. پس باید اجرای این سیاست همگام با ظرفیت تولیدی کشور باشد.

همچنین با کاهش مخارج دولت بسیاری از کارگران و کارمندان دولتی اخراج و بیکار (بی‌هیج نوع درآمدی) خواهند شد و بسیاری از طرحها و پروژه‌های دولتی که غالباً هم جنبهٔ رفاه اجتماعی دارند، تعطیل خواهند شد. از سوی دیگر، با فروش شرکت‌های زیان‌ده و نا کارای دولتی به بخش خصوصی بسیاری از کارگران این شرکت‌ها بیکار خواهند شد.

همچنین افزایش قیمت محصولات کشاورزی به منظور نزدیک ساختن تدریجی آن به قیمت‌های جهانی به زیان مصرف‌کنندگان داخلی است که درآمد ناچیزی دارند. از سوی دیگر، به دلیل آن که میزان تولید اغلب کشاورزان ناچیز و در حد خود مصرفی است و به‌بازار عرضه نمی‌شود، به نظر می‌رسد که این سیاست، برای آنها چندان مفید نباشد و منفعت اصلی نصیب تولیدکنندگان بزرگ محصولات کشاورزی شود.

از سوی دیگر، کاهش یا حذف یارانه‌های اقلام مصرفی مانند مواد غذایی، روی اقشار کم‌درآمد جامعه فشار بیشتری وارد خواهد کرد. هر چند که در اغلب کشورهای جهان سوم نحوهٔ پرداخت یارانه‌ها مناسب نیست و حتی بیشتر این یارانه‌ها نصیب اقشار می‌شود که کمتر مستحق آنها هستند، اما کاهش یا حذف یارانه‌ها بیشتر اقشار کم‌درآمد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد چرا که در چنین حالتی هر چند اقشار پردرآمد جامعه از یارانه‌ها بهره‌مند می‌شوند، اما نمی‌توانند بدون یارانه‌ها هم به‌زندگی خود ادامه دهند، در حالی که شاید اقشار کم‌درآمد جامعه بدون دریافت یارانه‌ها نمی‌توانند به‌زندگی خود

۱۲/۱ بوده است. یعنی در سالی که اصلاحات ارضی پایان می‌پذیرد، بیشترین مقدار نابرابری را در سالی که سیاستهای تعدیل به‌پوش خود می‌رسند، کمترین میزان نابرابری را داریم.

باتوجه به مطالب عنوان شده در باره وضعیت توزیع درآمد در کشور می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

۱. به‌طور کلی وضعیت توزیع درآمد در کشور از زمانهای گذشته به‌علت ریشه‌های تاریخی، نابرابر بوده و این نابرابری تا حد زیادی حفظ شده است. نظام ارباب‌رعیتی، اصلاحات ارضی، افزایش بهای نفت، انقباض پراخت یارانه‌های دولتی، جنگ و سیاستهای تعدیل ساختاری هر چند اثراتی داشته، اما نابرابر بانهمچنان باقی مانده است.

۲. هر چند در مقاطعی از زمان ضریب جینی (شدت نابرابریها) به میزان ناچیزی کاسته شده، اما چون این کاهش در اثر سیاست‌های دولت (مانند اصلاحات ارضی، پرداخت یارانه‌های دولتی و امثال آن) بوده است، پایان یافتن یا قطع آن سیاست‌ها نابرابریها تشدید شده و به‌طور کلی وضعیت توزیع درآمد در کشور تابع سیاستهای دولت بوده است.

۳. به‌طور کلی در اغلب سالها وضعیت توزیع درآمد در روستاها بهتر از شهرها بوده است. شاید بتوان علت این موضوع را چنین توجیه کرد که تنوع مشاغل در روستاها کمتر از شهرهاست و اغلب روستاییان شغل مشابه (معمولاً کشاورزی) دارند، بنابراین اختلاف سطح درآمد در روستاها از شهرها کمتر است، البته در خود روستاها هم به‌علت اختلاف در میزان مالکیت نهاده‌ها (بویژه مقدار زمین) ضریب جینی در اغلب سالها بیشتر از ۰/۴ است.

۴. در سال ۱۳۶۸ برنامه سیاست تعدیل ساختاری در کشور آغاز شد. این برنامه در اغلب کشورهایی که این سیاست در آنها اجرا شده نابرابریها را تشدید نموده است. اما چون اثرات این سیاست در بلندمدت ظاهر می‌شود در کشور ما به‌دلیل مختلف اجرای این سیاست به‌طور کامل رعایت نمی‌شود، هنوز این سیاست آثار خود را به‌طور کامل نشان نداده است، باوجود این، شاهد نابرابری بالایی برای سال ۱۳۷۴ بویژه در روستاها هستیم که شاید بتوان آن را به این سیاست نسبت داد و به نظر می‌رسد که پس از سال ۱۳۷۴ اجرای برنامه سیاست تعدیل

نمودار ۳ نیز نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد را برای کل کشور در سالهای ۱۳۴۷-۱۳۷۶ نشان می‌دهد. مطابق این نمودار نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد برای کل کشور در سال ۱۳۷۳ (دوران تعدیل) بالاترین مقدار یعنی نزدیک به ۳۵ بوده و در سال ۱۳۵۰ (پس از اصلاحات ارضی) پایتترین حد خود یعنی ۱۷/۲ بوده است.

نمودار ۴ نیز نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد شهری را برای سالهای ۱۳۴۷-۱۳۷۶ نشان می‌دهد. مطابق این نمودار نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد برای شهرهای کشور در سال ۱۳۵۶ (دوران انقلاب) بالاترین مقدار یعنی ۳۸ بوده و پایتترین مقدار هم مربوط به سال ۱۳۷۶ برابر ۴/۹ بوده است.

نمودار ۵ هم نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد را برای روستاهای کشور طی سالهای ۱۳۴۷-۱۳۷۶ نشان می‌دهد. مطابق این نمودار نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد برای روستاهای کشور در سال ۱۳۵۶ (دوران انقلاب) بالاترین مقدار یعنی نزدیک به ۳۸ بوده و پایتترین حد آن برای سال ۱۳۵۱ (پس از اصلاحات ارضی) برابر ۱۵/۱ بوده است.

نمودار ۶ هم نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد روستایی را برای سالهای ۱۳۴۷-۱۳۷۶ نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود بالاترین مقدار برابر ۴/۷ مربوط به سال ۱۳۵۹ (دوران پس از انقلاب و شروع جنگ) و پایتترین مقدار هم مربوط به سال ۱۳۷۵ برابر ۲/۵ بوده است.

نمودار ۷ هم مربوط به نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد برای روستاهای کشور طی سالهای ۱۳۴۷-۱۳۷۶ است. مطابق این نمودار نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۱۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد برای روستاهای کشور در سال ۱۳۷۴ (دوران تعدیل) بیش از ۲۱/۵ و پایتترین حد آن برای سال ۱۳۵۱ (پس از اصلاحات ارضی) برابر

ساختاری در کشور با احتیاط‌های بیشتری صورت پذیرفته است.

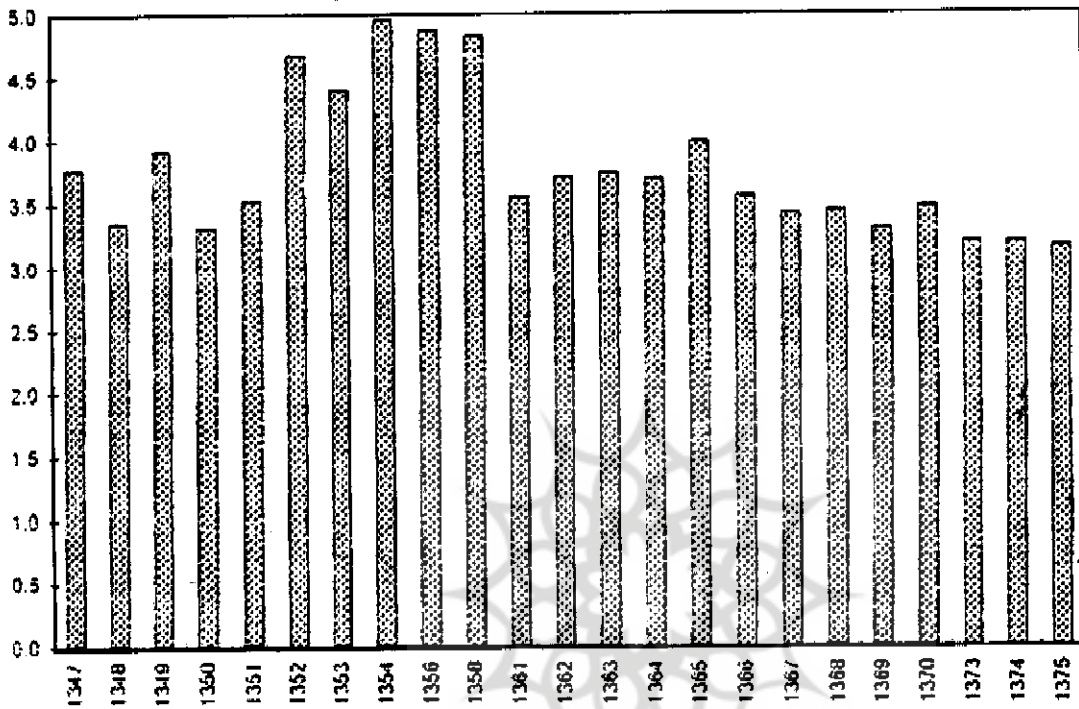
زیر برای بهبود وضعیت توزیع درآمد در کشور ارائه داد:

راهکارهایی برای بهبود وضعیت توزیع درآمد در کشور

۱- توسعه روستایی و توسعه کشاورزی: در سالهای اخیر با وجود کاهش نسبت جمعیت روستایی به کل جمعیت کشور، حجم این جمعیت افزایش یافته است. از سوی دیگر، با توجه به این که

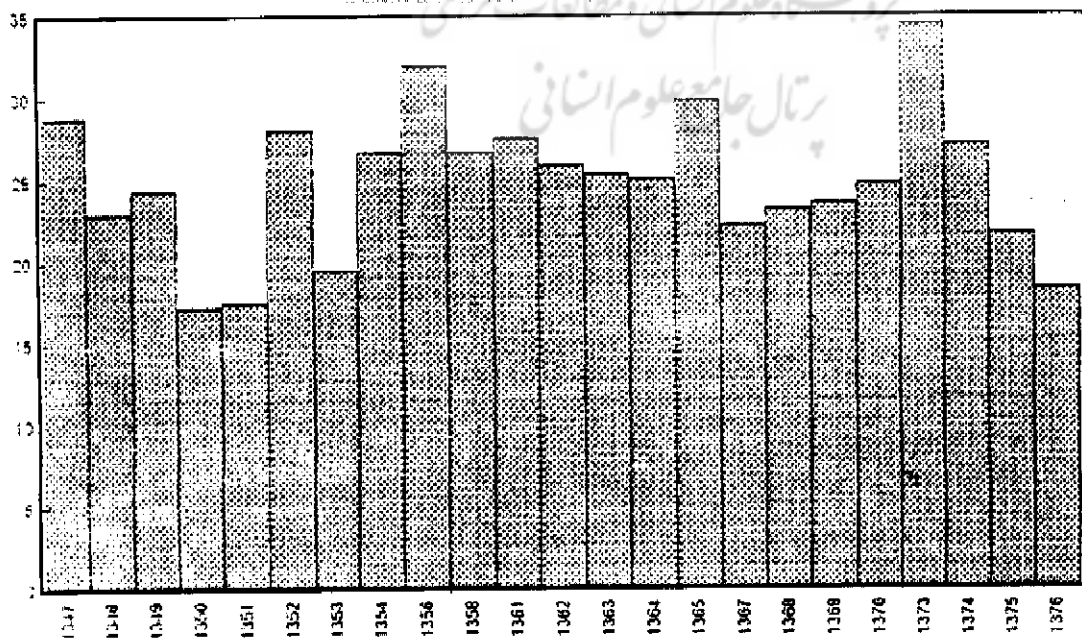
با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان راهکارهای

نمودار ۲: نسبت سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۸۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد در کل کشور



منبع: به جدول ۲ مراجعه شود.

نمودار ۳: نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۹۰ درصد خانوارهای کم‌درآمد در ایران



منبع: به جدول ۲ مراجعه شود.

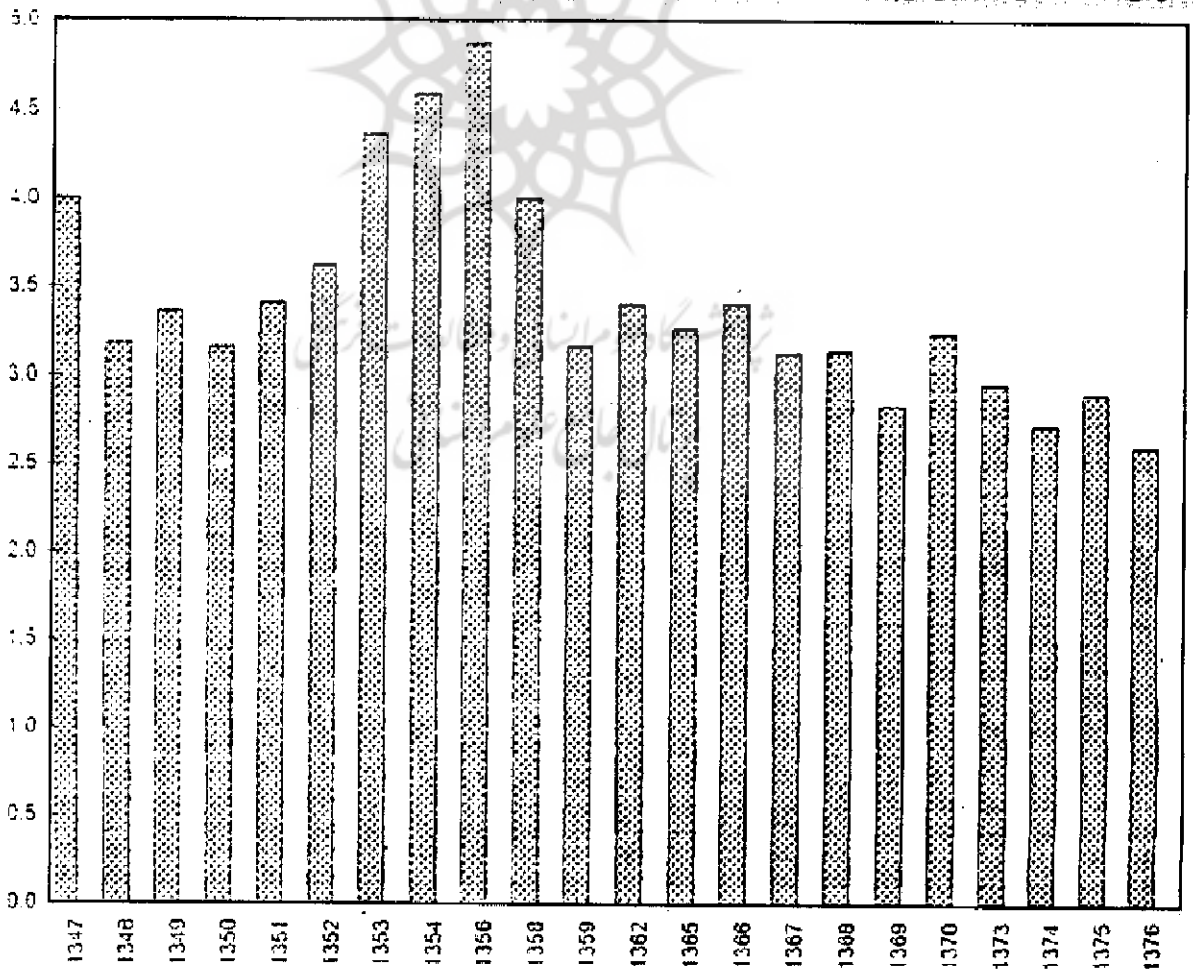
۳. بازنگری در نظام پرداخت یارانه در کشور: همانطور که پیشتر اشاره شد در کشور ما نظام پرداخت یارانه‌ها صحیح نیست و شامل حال اقشار بر در آمد جامعه هم می‌گردد. از سوی دیگر، کاهش یا حذف پرداخت یارانه‌های اقلام مصرفی مانند مواد غذایی، روی اقشار کم در آمد جامعه فشار بیشتری وارد خواهد کرد، چرا که اقشار بر در آمد جامعه می‌توانند بدون یارانه‌ها هم به زندگی خود ادامه دهند، در حالی که شاید اقشار کم در آمد جامعه بدون دریافت یارانه‌ها نتوانند به زندگی خود ادامه دهند. بنابراین به جای کاهش یا حذف یارانه‌ها باید در سیاستهای پرداخت آن تجدید نظر شود تا بیشتر شامل حال اقشار کم در آمد جامعه شود و به اقشار بر در آمد جامعه تعلق نگیرد. انجام این کار هر چند بسیار دشوار، اما ضروری است.

۴. بازنگری در نظام اخذ مالیات: یکی از راههای پیشنهادی برای کاهش نابرابریها مالیات

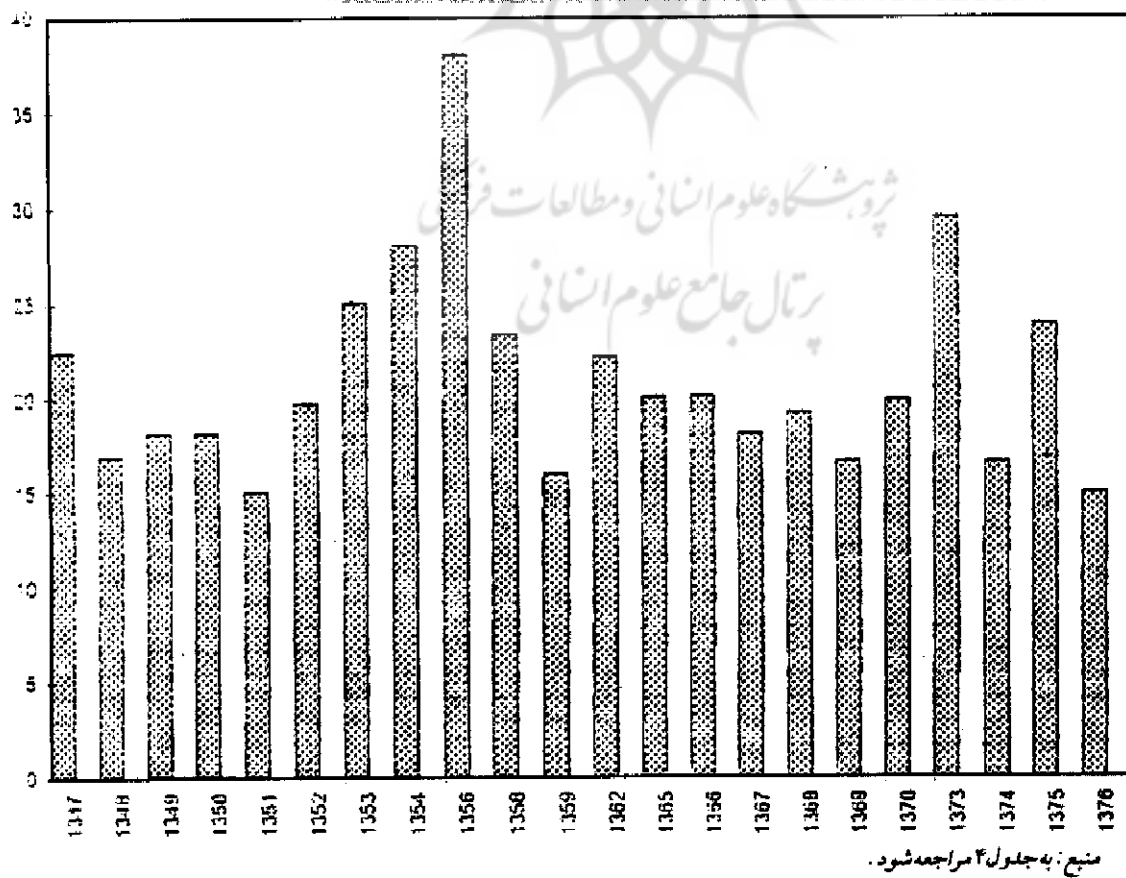
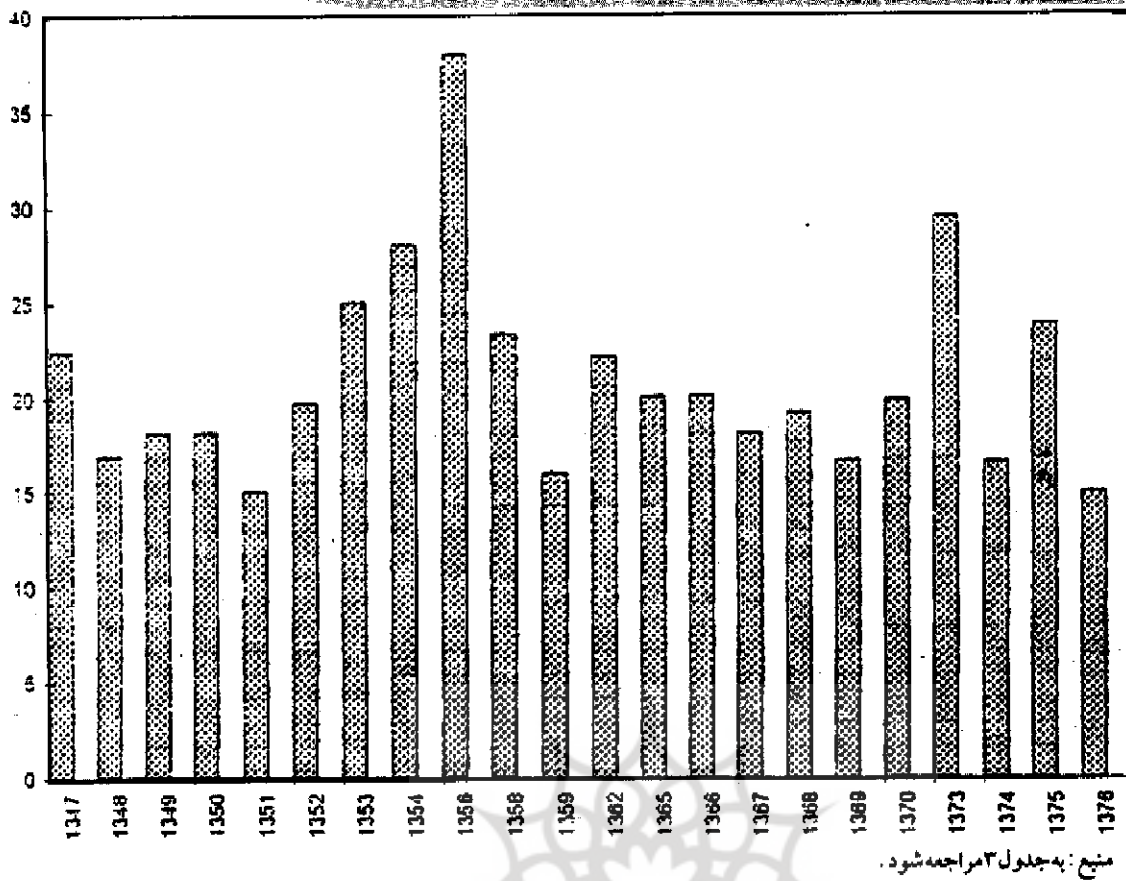
روستائینیان از کم در آمدترین مردم کشورند و شغل اصلی آنها کشاورزی است، به نظر می‌رسد که با بهبود وضعیت آنها و نیز بهبود وضع کشاورزی به عنوان منبع اصلی در آمد آنها، از میزان نابرابریها در کل کشور کاسته و شکاف بین شهرها و روستاهای کشور هم کمتر خواهد شد.

۲. جلوگیری از تمرکز منابع در دست تعدادی معدود: شاید بتوان علت اصلی نابرابری در کشور را به نابرابری توزیع منابع تولیدی نسبت داد. بنابراین دولت موظف است با اعمال سیاستهای درست مانع از تمرکز منابع در دست عدده معدودی از افراد جامعه شود. البته این سیاستها باید درست و حساب شده طر حریزی شوند، تا مانند سیاستهای گذشته چون اصلاحات ارضی زمان شاه و انقلاب شتابزده و غلط صورت نگیرد. از سوی دیگر، ایجاد اشتغال برای آحاد افراد جامعه نقش بسزایی در کاهش نابرابری ایفا خواهد کرد.

نمودار نسبت ۲۰ درصد خانوارهای بر در آمد به ۲۰ درصد خانوارهای کم در آمد در شهرهای ایران



منبع: به جلد ۳ مراجعه شود.



اقتصادی و دارایی.

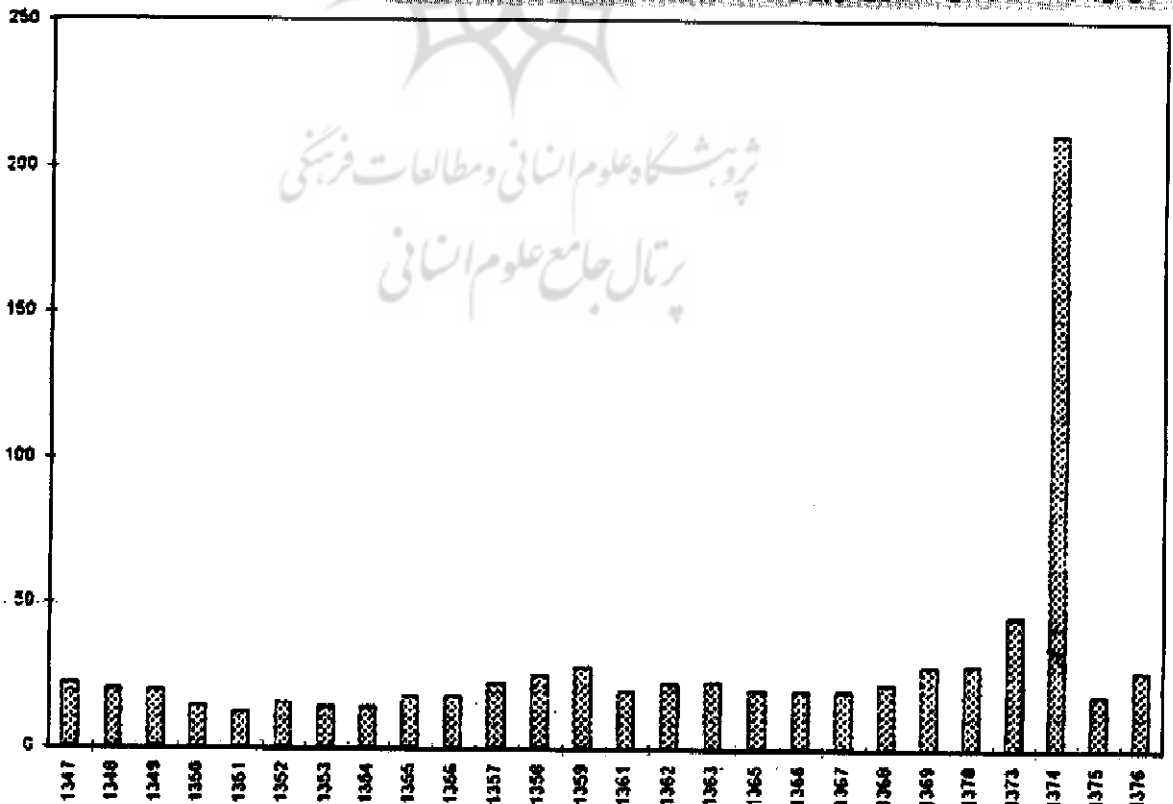
۳. توداروم، (۱۳۷۸) توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غ. فرجادی. چاپ هشتم، انتشارات بازتاب.
۴. رنایی، م. (۱۳۷۵) «توزیع درآمد در ایران و نقش کاهش فقر در گسترده‌گی بازارهای رقابتی». مجموعه مقالات تحلیل و بررسی اقتصاد فقر، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، صص ۱۳-۳۴.
۵. روزبهان، م. (۱۳۷۶) مبانی توسعه اقتصادی. چاپ پنجم، انتشارات بازتاب.
۶. طاهری، ش. (۱۳۶۶) بررسی توزیع درآمد در ایران از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۳ و بررسی علل اقتصادسنجی نابرابری آن. پایان‌نامه دانشگاه صنعتی اصفهان.
۷. مرکز آمار ایران (۱۳۶۳) بررسی تغییرات توزیع درآمد در ایران، سالهای ۱۳۴۷-۵۹.
۸. مرکز آمار ایران (۱۳۶۸) شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در ایران.
۹. مرکز آمار ایران (۱۳۷۳) شاخصهای نابرابری توزیع درآمد در ایران.
۱۰. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی درآمد و هزینه خانوار شهری. سالهای ۱۳۷۳-۷۶ به تفکیک.
۱۱. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی درآمد و هزینه خانوار روستایی. سالهای ۱۳۷۳-۷۶ به تفکیک.
۱۲. مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ایران. سالهای مختلف.

گرفتن از ثروتمندان و پرداخت آن به صورت یارانه به فقراست. اما در کشورهای جهان سوم مانند ایران مالیات را به جای افراد پر درآمد جامعه، افراد کم درآمد جامعه می‌پردازند. در این کشورها فرار از پرداخت مالیات برای ثروتمندان آسان است، ولی برای فقرا نه. بنابراین لازم است در نظام مالیات گیری کشور بازنگری شود، تا مالیات را افراد پر درآمد جامعه بپردازند. انجام این کار هر چند ضروری اما بسیار دشوار است.

۶ آموزش نیروی انسانی: همانگونه که می‌دانیم، هر چه سطح آموزش و مهارت افراد بالاتر رود، میزان تولید در آنها هم افزایش می‌یابد. بنابراین با آموزش نیروی انسانی بویژه فقرای جامعه (مانند کشاورزان) می‌توان امیدوار بود که بر میزان تولید در آنها افزوده گردد و از شدت نابرابریها کاسته شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آسایش، ح. (۱۳۷۶) «نابرابری و شکاف بین شهر و روستا در ایران». مجله جهاد، شماره ۲۰۲-۲۰۳، صص ۱۸-۲۶.
۲. یزویان، ج. (۱۳۷۳) سیاستهای حمایتی از اقشار آسیب پذیر. چاپ اول. معاونت امور اقتصادی وزارت امور



منبع: به جدول ۴ مراجعه شود.